

امکان سنجی لزوم تناسب سن ازدواج از منظر فقه اسلامی

شکیله بتول^۱، فضا جوادی^۲

چکیده

در فقه اسلامی به‌ویژه قرآن و حدیث، سن مشخصی برای ازدواج ذکر نشده است، ولی باتوجه به مباحث مطرح شده، می‌توان نتیجه گرفت که سن زن و شوهر باید به‌گونه‌ای باشد که هدف اصلی ازدواج به‌دست آید. هدف از نوشتار حاضر بررسی امکان سنجی لزوم تناسب در سن ازدواج از منظر فقه اسلامی است تا از ازدواج با اختلاف سنی بالا جلوگیری شود. پژوهش حاضر به‌روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع معتبر فقهی گردآوری شده است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که ازدواج به‌سهولت حاصل نمی‌شود؛ زیرا انتخاب همسر مرحله مهم و سرنوشت‌سازی در تحقق ازدواج موفق محسوب می‌شود. از طرف دیگر، اسلام برای تأمین سعادت انسان در مورد موضوع انتخاب همسر معیارهای متعددی ارائه کرده است که می‌تواند زمینه‌ساز تأسیس خانواده مطلوب شود. دین‌داری و ایمان، ارزش‌های اخلاقی، خصوصیات جسمی، صلاحیت خانوادگی، خصوصیات اقتصادی، ویژگی‌های اجتماعی و کفویت از جمله کفویت سنی این معیارهاست. مقاله حاضر به‌طرح مسئله کفویت سنی و کلیات آن باتوجه به گستره مقاله می‌پردازد.

واژگان کلیدی: ازدواج، کفویت، زوجین، همسانی سنی زوجین.

۱. دانش‌پژوه ارشد فقه و خانواده از کشور پاکستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: c9v2012@gmail.com

۲. دانش‌پژوه سطح چهار فقه خانواده از کشور افغانستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: .Fezzeh.javadi120@gmail.com

۱. مقدمه

ازدواج وحدتی اجتماعی یا قراردادی قانونی بین مردم است که باعث به وجود آمدن خویشاوندی می‌شود. این عمل در روابط میان اشخاص یک سنت و وابسته به فرهنگ یا شاخه‌های فرهنگ در هر زمینه‌ای است که قابل درک باشد. مردم دلایل زیادی برای ازدواج دارند مانند قانون، جامعه، خواسته جنسی، احساسات، اقتصاد، روان و مذهب. عمل ازدواج باعث به وجود آمدن هنجار یا الزامات قانونی می‌شود. در برخی جوامع این الزامات حتی به سوی برخی از اعضای خانواده افراد ازدواج‌کننده کشیده می‌شود. به طور کلی می‌توان گفت که ازدواج یا پیوند زناشویی وصلتی آیینی است که طی احکام یا رسوم خاصی بین زن و مرد در مذاهب و کشورهای مختلف برقرار شده و به تشکیل خانواده می‌انجامد. اگرچه ازدواج در همه ملت‌های جهان رایج بوده و است، ولی اسلام به ازدواج و تشکیل نهاد خانواده اهمیتی زیادی می‌دهد. از مجموعه آیات و روایات، اهمیت ازدواج به خوبی دریافت می‌شود.

ازدواج در منطق قرآن به وجودآورنده مطمئن‌ترین و آرام‌بخش‌ترین رابطه‌ها و آغازگر زندگی همراه با طراوت، مودت و ایثار است. «از آیات و نشانه‌های قدرت خداوند این است که برای انسان از نوع خود، همسرانی آفرید تا درکنار آنها به آرامش و سکون دست یابند و بین آنها دوستی و رحمت قرار داد» (روم: ۲۱). در تفسیر این آیه آمده است که منشأ‌گرایش مرد به زن و آرمیدن مرد در سایه انس به زن، مودت و رحمتی است که خداوند بین آنها برقرار کرده و این مودت الهی و رحمت خدایی غیر از گرایش غریزی نر به ماده است که در حیوانات هم وجود دارد. از این رهگذر است که زن، محبوب رسول اکرم ﷺ واقع شده است: «من از دنیای شما، سه چیز را دوست دارم: زن، بوی خوش و نور چشم من که در نماز است» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۱۴۱/۷۳). مودت و رحمت الهی مایه سکون است که جاذبه‌ای معنوی بین زن و مرد ایجاد می‌کند و گرنه شهوات نمی‌توانند نشانه‌ای از نشانه‌های خدا باشند و موجب آرامش شوند (جوادی آملی، ۱۳۷۱، ص ۳۹).

خداوند در قرآن امر به ازدواج دادن اشخاص مجرد می‌کند. روایات، ازدواج را مساوی با به دست آوردن نصف دین دانسته و نماز شخص متأهل را برتر از هفتاد نماز شخص مجرد



می‌دانند. ازدواج مانند بسیاری از امور مسئولیتی جدید است که مشکلاتی را هم به همراه دارد، اما همین ازدواج، تکامل شخصیت انسان را به دنبال دارد؛ تکاملی که با غیر ازدواج به دست نمی‌آید. ازدواج فواید فراوانی دارد که در معارف نورانی اسلام به آنها اشاره شده است. برخی از آنها عبارتند از: باقی ماندن نسل، آرامش روحی، زیاد شدن رزق و روزی و تأمین نیازهای غریزی و طبیعی انسان. فایده ازدواج فقط جلوگیری از انحراف اخلاقی و جنسی نیست. ازدواج برکات فراوان دارد که انسان نباید خود را از آن محروم کند. (بی‌نا، ۱۳۸۲) قرآن می‌فرماید: «وَأَنْكَحُوا الْأَيَّامِي مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ؛ مردان و زنان بی‌همسر خود را همسر دهید. همچنین غلامان و کنیزان صالح و درست‌کاران را. اگر فقیر و تنگ‌دست باشند، خداوند از فضل خود آنان را بی‌نیاز می‌سازد. خداوند گشایش‌دهنده و آگاه است» (نور: ۳۲). در جای دیگر می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ؛ واز نشانه‌های او آن است که از جنس خودتان، همسرانی برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و میان شما و همسرانتان علاقه شدید و رحمت قرار داد. بی‌شک در این [نعمت الهی] برای گروهی که می‌اندیشند نشانه‌های قطعی است» (روم: ۲۱).

در روایات آمده است که پیامبر ﷺ می‌فرماید: «النِّكَاحُ سُنتِي فَمَنْ رَغِبَ عَنِّي فَلَيْسَ مِنِّي؛ ازدواج، سنت من است و هرکس از سنت من روی گرداند از من نیست». (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۰/۱۰۳) پیامبر ﷺ می‌فرماید: «مَنْ تَزَوَّجَ أَحْرَزَ نِصْفَ دِينِهِ؛ فَلْيَتَّقِ اللَّهَ فِي النَّصْفِ الْأَخْرَ أَوْ الْبَاقِي؛ هرگاه شخصی ازدواج کند نصف دین خود را به دست آورده است. برای نصف دیگر باید پروا از خدا را پیشه کند» (کلینی، ۱۴۰۶، ۳۲۸/۵). ایشان در جای دیگر می‌فرماید: «تَنَّاكُحُوا تَكْتُمُوا فَإِنِّي أَبَاهِي بِكُمْ الْأُمَّمَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ حَتَّى بِالسَّقْطِ؛ ازدواج کنید تا جمعیت شما افزون شود؛ زیرا من در روز قیامت به وجود شما، حتی به فرزندان سقط شده‌تان بر سایر امت‌ها می‌بالم» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۲۰/۱۰۳). پس ازدواج تکامل شخصیت انسان را به دنبال دارد؛ تکاملی که فقط با ازدواج به دست

می‌آید، ولی نباید اهمیت ازدواج سبب شود تا به برخی مسائل ازدواج مانند تناسب در سن میان زوجین و... توجه نشود.

۲. طرح بحث امکان‌سنجی لزوم تناسب سن ازدواج از منظر فقه اسلامی

در گذشته بیشتر ازدواج‌ها بعد از بلوغ جسمی و جنسی دختر و پسر صورت می‌گرفت که البته در بسیاری موارد پیامدهای منفی داشت، اما چون خانواده‌ها آنها را مورد حمایت مادی و معنوی قرار می‌دادند مشکلات عمده‌ای پدید نمی‌آمد. امروزه مفهوم زندگی، گستره نیازها، ساختار و کارکرد خانواده و انتظارات متقابل زن و مرد از یکدیگر تغییر کرده است و بلوغ جسمی و جنسی به تنهایی نمی‌تواند جوابگوی نیازها و مسئولیت‌های زندگی مشترک بین زن و شوهر باشد. بنابراین، تعیین سن ازدواج نیاز به بازنگری جدی، عمیق و همه‌جانبه دارد. باید به متون دینی، تحقیقات روان‌شناختی، نیازهای دوره جوانی و نیز به واقعیت‌های اجتماعی و فرهنگ رایج در جامعه توجه شود تا سن مناسب ازدواج معین و راهکارهای لازم برای بهبود و اصلاح وضعیت کنونی ارائه شود. (بی‌نا، ۱۳۸۲) از نظر اسلام نه تنها سن مشخصی برای ازدواج مشخص نشده است، بلکه فاصله سنی معینی هم بین دختر و پسری که تمایل به ازدواج باهم دارند مطرح نشده است. همچنین از کوچک‌تر و یا بزرگ‌تر بودن دختر و پسر هنگام ازدواج سخنی به میان نیامده است، اما احادیث منقول از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام و سیره عملی آنها شواهد زیادی بر اهتمام ایشان در زودتر انجام دادن ازدواج است.

براساس سیره معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام و شواهد تاریخی، ازدواج امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام در سنین بعد از بلوغ و پیش از ۲۰ سالگی بوده است. ائمه معصومین در مورد فرزندان‌شان نیز همین روش را داشتند و به‌طور معمول قبل از ۲۰ سالگی زمینه ازدواج آنها را فراهم می‌کردند. از روایات استفاده می‌شود که سن پایه برای ازدواج، بعد از بلوغ است و اگر شخص احساس نیاز کند به‌گونه‌ای که ترك آن موجب گناه شود ازدواج در این سن واجب می‌شود. (نجفی، ۱۳۹۵، ۱۷۳/۲۹) از طرف دیگر سیره معصومان عَلَيْهِمُ السَّلَام و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که امامان عَلَيْهِمُ السَّلَام و اولیای الهی غیر از موارد خاص



مثل ازدواج حضرت خدیجه ع.ا.س. با پیامبر ص.ا.ع. از همسران خود بزرگ‌تر بوده‌اند. بنابراین، شاید بتوان این مسئله را معیاری دانست که در ازدواج بهتر است مرد از زن بزرگ‌تر باشد، اما اینکه فاصله سنی چقدر باشد هنوز به معیار مناسبی نمی‌توان دست یافت؛ زیرا شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در آن زمان این موضوع اهمیت چندانی نداشته است و ائمه ع.ا.س. فاصله‌های متفاوتی با همسرانشان داشته‌اند (موسوی خمینی، ۱۳۸۹، ۲/۲۵۴).

از آنجاکه بین بلوغ دختران و پسران فاصله بین ۲ تا ۶ سال وجود دارد، بهتر است این مقدار فاصله در ازدواج دختران و پسران رعایت شود؛ زیرا تحقیقات علمی و یافته‌های روان‌شناسانه و جامعه‌شناسانه این نکته را ثابت کرده‌اند و تأیید می‌کنند که اگر سن دختر از سن پسر کمتر باشد در برابر موضع مرد کوتاه می‌آید و تلاش می‌کند فرمان‌بردار باشد. هرچه این تفاوت سنی افزایش یابد حس مادری، خواهری و یا سرپرستی در زن بیشتر می‌شود. برای مثال زنی که ۱۵ سال و یا بیشتر از همسرش بزرگ‌تر است همواره مانند مادر یا خواهر بزرگ‌تر با شوهرش برخورد می‌کند. ازسوی دیگر، اگر سن مرد بزرگ‌تر باشد زن می‌تواند به او تکیه کند و در این صورت مدیریت خانواده دچار مشکل نمی‌شود، جذابیت زن برای مرد حفظ می‌شود و تفاهم و درک متقابل افزایش می‌یابد. (بی‌نا، ۱۳۹۷) در تعیین سن ازدواج و کوچک‌تر و یا بزرگ‌تر بودن دختر و پسر هنگام ازدواج می‌توان سیره ائمه ع.ا.س. و یافته‌های علمی را در قالب معیار و هنجار دینی در نظر گرفت و گفت که بهتر است در ازدواج دختران و پسران، سن دختر چند سالی از پسر کوچک‌تر باشد (بی‌نا، ۱۳۹۷). نوشتار حاضر در صدد پاسخ به سؤال امکان‌سنجی لزوم تناسب در سن ازدواج از منظر فقه اسلامی است.

۳. ضرورت بحث

یکی از مسائل مورد بحث در زمان حاضر میان جوانان دختر و پسر مسئله سن میان زن و شوهر است. از آنجا که مردان و زنان تمایل زیادی به ازدواج با فردی با اختلاف سنی کم و در مورد مردان می‌توان گفت علاقه به ازدواج با دختران کم سن دارند، بنابراین ضروری است این مسئله مورد بررسی قرار گیرد.

۴. لزوم یا عدم تناسب سن ازدواج از منظر فقه اسلامی

انتخاب همسر از مهمترین تصمیمات فرد در زندگی است؛ زیرا می‌تواند آینده فرد را رقم بزند. تشکیل خانواده سالم، متعادل و پایدار مانند هر امر مهم دیگری به تفکر منطقی و تلاش و کوشش نیازمند است. جوان باید بر اساس معیارهای اصولی و منطقی همسر آینده خود را شناسایی و انتخاب کند و آن‌گاه به انجام پیوند زناشویی اقدام کند. اصالت خانوادگی، اساسی‌ترین معیار انتخاب همسر است. ایمان، اخلاق نیکو و روان سالم، تناسب زوجین در ویژگی‌های ظاهری، سنی، تحصیلی، فرهنگی، تربیتی و اعتقادی از موارد اساسی در انتخاب همسر است. (رضاییان، ۱۳۹۲)

برای ازدواج علاوه بر نیاز به رشد جسمی و جنسی، رشد روانی و اجتماعی نیز مورد نیاز است. در اواخر دوره نوجوانی رشد جنسی به طور تقریبی کامل می‌شود و فرد توانایی تولیدمثل پیدا می‌کند. در اواخر سنین نوجوانی بیشتر دختران به فکر ازدواج می‌افتند در حالی که پسران در این سنین خواهان ازدواج نیستند. اگرچه ازدواج تنها راه مشروع و سالم تأمین نیازهای جسمی و روانی نوجوانان است، ولی برای یک ازدواج موفق، آمادگی زیستی، روانی، مادی و اجتماعی لازم است (خداپرست، ۱۳۹۹). به همین دلیل متخصصان، سن مناسب ازدواج را برای دختران ۱۸ تا ۲۴ سال و برای پسران ۲۴ تا ۲۸ سال توصیه می‌کنند. اختلاف سن ۲ تا ۶ سال بین دختر و پسر برای ازدواج توصیه می‌شود. در صورت داشتن ازدواج زودهنگام بهتر است داشتن فرزند تا پس از ۲۰ سالگی به تعویق بیفتد. برای این منظور لازم است که زوجین با روش‌های صحیح تنظیم خانواده آشنا باشند (کلینی، ۱۴۰۶، ۱۶۸/۷).

در قرآن، سن و سال معینی برای ازدواج مطرح نشده است، ولی از واژگانی مانند بلوغ، بلوغ، بلوغ نکاح و بلوغ اشد می‌توان به صورتی سن بلوغ و ازدواج را به دست آورد. شاید رساترین آیه در تعیین سن ازدواج این آیه باشد: «وَابْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ؛ یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و به نکاح (همسرگزینی) تمایل پیدا کنند. اگر آنان را به درک مصالح زندگانی خود آگاه یافتید اموالشان را به آنان بدهید» (نساء: ۶). از موارد یادشده می‌توان دریافت که معیار سن ازدواج از نظر قرآن همان قدرت داشتن

بر ازدواج، توانایی مدیریت زندگی و تولید نسل، رسیدن به حد رشد یعنی توانایی بر تشخیص مصلحت فرد است. باتوجه به روایات و سیره معصومین علیهم السلام که الگوهای شایسته هستند مهم است که در تعیین سن ازدواج نیز به آنها اقتدا شود. براساس آیات، روایات و سیره معصومین علیهم السلام سن ازدواج در دختران بعد از ۹ سالگی و در پسران حدود ۲۰ سالگی است، اما سؤالی که وجود دارد این است که آیا تنها رسیدن به این سن کفایت می‌کند یا معیارهای دیگری نیز در تعیین زمان ازدواج دخالت دارد؟ شواهد بسیاری نشان می‌دهد که علاوه بر سن، متغیرهای دیگری در تعیین زمان مناسب ازدواج مورد توجه است که به تبع آنها معیار سنی نیز نوسان می‌یابد. یکی از معیارهای اصلی تعیین سن ازدواج از نظر شرع و روان‌شناسان رسیدن به حد رشد است که خود ابعاد مختلفی دارد و در تحقیق حاضر به برخی از جنبه‌های اصلی آن اشاره می‌شود.

۴-۱. بلوغ

در فقه اسلامی، بلوغ شرط صحت بسیاری از احکام و مقررات تکلیفی و وضعی است. بلوغ رسیدن به مرحله‌ای از سن است که در طی آن دگرگونی‌هایی در اندام، احساسات و اندیشه‌های شخص آشکار می‌شود. فقهای امامیه، تعریفی از بلوغ ارائه نکرده‌اند، اما برخی نشانه‌های طبیعی و خارجی مانند رسیدن به سن خاصی را برای علامت بلوغ شخص تعیین کرده‌اند و در بیان این معنی از دو واژه بلوغ نکاح و بلوغ رشد یاد کرده‌اند. (مه‌ریزی، ۱۳۷۶) مشهور فقها نیز معیار اهلیت نکاح را بلوغ و عدم آن می‌دانند و به استناد برخی روایات سن بلوغ را ۹ سال تمام قمری برای دختر و ۱۵ سال برای پسر دانسته‌اند. برخی بر آن ادعای اجماع نیز کرده‌اند. بنابراین، فقهای امامیه رسیدن به بلوغ طبیعی را برای ازدواج شخص کافی می‌دانند. ایشان همچنین تزویج طفل پیش از رسیدن به سن بلوغ را ازسوی ولی قهری پذیرفته و این حکم را مستند به روایات متعددی می‌دانند که در این مورد و به‌ویژه در مقام بحث از وجود خیار فسخ نکاح برای طفل پس از رسیدن به سن بلوغ مطرح شده است. برخی جواز چنین تزویجی را مستند به اجماع فقها می‌دانند،

هرچند با وجود روایات مزبور، اجماع مستند به این روایات مدرکی بوده و فاقد حجیت است (موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ۲/۲۵۴).

فقه‌های امامیه با وجود جایز دانستن تزویج طفل از سوی ولی قهری، نزدیکی با چنین دختری را تا پیش از رسیدن به سن بلوغ ممنوع می‌دانند. برخی نقض آن را موجب مسؤولیت مدنی شخص دانسته و بروز هرگونه عیب را موجب حرمت ابدی می‌دانند. (موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ۲/۲۵۴) دیدگاه فقه‌های امامیه نسبت به ضامن بودن شخص در نتیجه ورود عیب بیانگر امکان عقلایی معیوب شدن در کمتر از این سن است. از این تعلیل استفاده می‌شود که ملاک واقعی سن ازدواج، قابلیت جسمانی برای چنین تمکینی است و کسب این قابلیت از نظر شرایط اقلیمی، زمانی و جسمی دختران متفاوت است (قاری سید فاطمی، ۱۳۷۴، ۱۳۹).

۲-۴. رسیدن به حد رشد

در قرآن کریم از واژه «بلوغ اشد» استفاده شده است. مفسرین در تبیین معنی بلوغ اشد دیدگاه واحدی ندارند. برخی آن را احتلام و بلوغ و عده‌ای آن را کمال عقل می‌دانند. در میان این تفاسیر حتی سن سی سال نیز سن بلوغ اشد بیان شده است. علامه طباطبایی معتقد است که بلوغ اشد هنگامی است که قوای بدنی استحکام یابد، صباوت از میان برود و این همان بلوغ و رشدی است که در آیه ششم سوره نساء آمده است. زمان شروع این حالت بیشتر در هجده سالگی است. در برخی از روایات نیز بلوغ اشد به احتلام و سیزده سالگی تعبیر شده است. (طباطبایی، بی تا، ۱۱۸/۱۱) از مجموع آیات و روایات به دست می‌آید که بلوغ اشد دایره وسیع‌تری از بلوغ جنسی دارد و مجموعه‌ای از بلوغ عقلی، استحکام و کمال نیروهای جسمی را شامل می‌شود؛ به گونه‌ای که تصرفات مالی شخص با بلوغ اشد یا بلوغ نکاح و رشد جایز می‌شود. فقه‌های امامیه با استفاده از بیان امام صادق علیه السلام که می‌فرماید: «ایناس الرشد، حفظ المال» (قمی مشهدی، ۱۳۸۲، ۳/۳۳۲) واژه رشد را به توانایی در نگهداری اموال در معاملات و هدر ندادن آنها تعبیر کرده و معنی آن را در عرف روشن می‌داند (نجفی، ۱۳۹۵، ۴۸/۲۶). برخی معتقدند که این وضعیت در نتیجه بلوغ جسمی و رشد حاصل می‌شود (



موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ۱۳/۲). در این مورد اختلافی میان فقهای امامیه وجود ندارد (نجفی، ۱۳۹۵، ۴۸/۲۶). بنابراین، از منظر فقها رفع حجر از صغیر و امکان تصرف وی در اموال و حقوق مالی خود با دو شرط بلوغ و رشد حاصل می‌شود (موسوی خمینی، ۱۴۰۹، ۱۳/۲).

به عقیده فقهای امامیه، رشد باید از راه اختبار (آزمایش) احراز شود و این نیز برحسب موارد و شرایط اجتماعی، خانوادگی و فردی اشخاص متفاوت است. برای اختبار نباید به یک بار اکتفا شود، بلکه باید تاحدی تکرار شود که علم به رشد و توانایی اداره اموال حاصل شود. (شهیدثانی، ۱۴۱۳، ۱۳۹/۱) بنابراین، اختبار راه حصول علم به رشد است، اما روش منحصر نیست و چنین علمی می‌تواند از راه عرفی دیگر مانند شهادت شهود نیز حاصل شود (سیدفاطمی، ۱۳۷۴، ۱۴۰). برای صلاحیت ازدواج از نظر فقه امامیه تنها رسیدن به سن بلوغ کافی نیست، بلکه علاوه بر آن دختر و پسر باید رشید هم باشند؛ یعنی بتوانند مصلحت خود را تشخیص دهند تا بتوانند به استقلال و از روی اراده و اختیار عقد ازدواج ببندند. شهید مطهری درباره شرط بودن رشد برای ازدواج می‌نویسد: «در فقه و سنت اسلامی محرز و مسلم است که برای ازدواج، تنها عقل و بلوغ کافی نیست؛ یعنی یک پسر به صرف آنکه عاقل و بالغ است، نمی‌تواند با دختری ازدواج کند چنان‌که برای دختر نیز عاقله بودن و رسیدن به سن بلوغ دلیل کافی برای ازدواج نیست. علاوه بر بلوغ و علاوه بر عقل، رشد لازم است» (مطهری، ۱۳۹۹، ۱۰۰).

رشد در مفهوم عام: «انسان شایستگی و لیاقت اداره، نگهداری و بهره‌برداری هریک از سرمایه‌ها و امکانات مادی و یا معنوی را که به او سپرده می‌شود، داشته باشد؛ یعنی اگر انسان در هر مرحله‌ای از زندگی که یک شأن، منزلت و مقامی دارد و یا ابزار و وسیله‌ای را دارد شایستگی اداره، نگهداری و بهره‌برداری از آن را داشته باشد. چنین شخصی در آن کار و در آن شأن رشید است. حال، آن چیز هرچه می‌خواهد باشد، همه آن اشیایی که وسایل و سرمایه‌های زندگی هستند. سرمایه به مال و ثروت انحصار ندارد. مردی که ازدواج می‌کند خود ازدواج و زن و فرزند و کانون خانوادگی، وسایل و... سرمایه‌های زندگی او هستند و یا شوهر برای زن و زن برای شوهر حکم سرمایه را دارد.» (مطهری، ۱۳۸۹، ۳/۳۱۴)

بنابراین، رشد در مورد ازدواج یعنی، شایستگی و لیاقت اداره زندگی چنان که شهید مطهری در این مورد می‌فرماید: «منظور (از رشد در امور ازدواج) تنها رشد جسمانی نیست. منظور این است که رشد فکری و روحی داشته باشند؛ یعنی بفهمند که ازدواج یعنی چه. تشکیل کانون خانوادگی یعنی چه. عاقبت این بله گفتن چیست. باید بفهمد این بله که می‌گوید چه تعهدهایی و چه مسئولیت‌هایی به عهده او می‌گذارد و باید از انجام این مسئولیت‌ها برآید». (مطهری، ۱۳۹۹، ۱۰۰)

رشد به معنای یاد شده امری اکتسابی و قابل یادگیری است. والدین، اطرافیان و فرهنگ جامعه می‌توانند نقش اساسی در شکل‌گیری و تحصیل آن داشته باشند. در تعیین سن ازدواج علاوه بر بلوغ شرعی (جسمی و جنسی) و عقلی، بلوغ اجتماعی، عاطفی و اقتصادی برای توانمندی شخص در تدبیر امور خانواده و برنامه‌ریزی امور اقتصادی را نیز داشته باشد».

۵. راهکارهایی در تعدیل سن ازدواج

- باید والدین، مربیان و مسئولان تدابیری در نظر بگیرند که نوجوانان و جوانان در ابعاد مختلف جسمی، جنسی، عقلی، اجتماعی، عاطفی و اقتصادی به‌طور هماهنگ و متناسب رشد کنند. آنچه در حال حاضر مشاهده می‌شود نابرابری رشد و بلوغ جنسی و جسمی و احساس نیاز به ازدواج با دیگر ابعاد رشدی یعنی، رشد عقلی، اجتماعی، اقتصادی و عاطفی نوجوانان و جوانان است. بنابراین یا به‌مجرد رسیدن به بلوغ جنسی اقدام به ازدواج می‌کنند در حالی که از نظر عقلی، اجتماعی و اقتصادی به حد رشد مناسب نرسیده‌اند و یا سال‌ها پس از رسیدن به بلوغ جنسی منتظر یافتن شغل مناسب، تکمیل تحصیلات و دیگر پیش‌نیازهای زندگی باقی می‌مانند که در نتیجه یا به آن دست نمی‌یابند و یا وقتی به آنها می‌رسند که دیگر شادابی، طراوت و انگیزه ازدواج را ندارند. در هر دو صورت، زندگی آسیب‌پذیر و در معرض خطرهای جدی است.

- از عواملی که موجب بلوغ جنسی زودرس و احساس نیاز کاذب در جوانان می‌شود باید به‌طور جدی جلوگیری کرد مانند دیدن صحنه‌های مستهجن، فیلم، ماهواره، اینترنت، روابط دختر و پسر و ...

- فرهنگ‌سازی ازدواج ساده و منطبق با معیارهای اسلامی یکی از نیازها و راهکارهای اصلی در حل مشکلات ازدواج جوانان است. اگر معیار در ازدواج و انتخاب همسر دستورهای اسلام باشد، اکثر یا هیچ‌یک از این مشکلات وجود نخواهد داشت. تبعیت از آداب و رسوم نادرست، برخی تحصیلات نامتوازن، روابط بی‌حدومرز دختر و پسر، بینش غیردینی که فقط اسباب مادی را در نظر می‌گیرد، کم‌رنگ شدن توکل و توجه به خداوند و نیز هزینه‌های اضافی و تشریفات از عوامل اصلی بالا رفتن سن ازدواج هستند. این زنجیرهای اسیرساز متأسفانه در حال گسترش است. باید بینش جوانان، نوجوانان و خانواده‌ها نسبت به زندگی، ازدواج اصلاح شود تا بتوان مقدمات ازدواج آنها را در زمان مناسب و با الگوگیری از امامان معصوم علیهم‌السلام فراهم کرد.

- مراد از مصلحت در نکاح دختر زیر سن نه سال مشخص شود به‌ویژه در جامعه‌های دگرگونی یافته امروز که عوامل بسیار در انتخاب همسر مناسب دخالت دارد.

- روشن شود که چه مرجع قانونی‌ای، مسئول بررسی وجود مصلحت یا نبود آن در ازدواج دختر یا پسر صغیر است تا در صورت نبود مصلحت، حکم به باطل بودن یا نفوذ نداشتن عقد بدهد.

- بیان شود در صورت راضی نبودن دختر و پسر پس از بلوغ (یا پس از رشد) نسبت به این ازدواج، حکم به فسخ عقد ازدواج داده شود. این حکم برابر پاره‌ای از روایات بوده و نیز به دلیل وجود ضرر در زندگی مشترک بدون میل و رغبت و حکم به پرداخت نفقه و مهریه توسط زوج با اینکه راضی به این زندگی با زن نیست و حکم به تمکین و پذیرش سیطره شوهر توسط زن برخلاف هرگونه میل و رغبتی به این ازدواج است. در اساس، وجود این ضرر دلالت می‌کند بر نبود مصلحت در درستی این نوع ازدواج شود.

- زمان تصمیم‌گیری دختر برای ازدواج خود از زمان بلوغ و رشد عقلی دختر برای تصمیم‌گیری، طرح شود و پیش از رشد، اذن پدر یا جد (یا در صورت نبود آنها، حاکم) به شرط رعایت مصلحت دختر در ازدواج او مطرح شود. در نتیجه امکان ازدواج دختر پیش از رشد به دلیل وجود مصلحت برای دختر وجود داشته باشد.

- تا پیش از نه سالگی، ازدواج ممنوع باشد و پس از آن نیز اگر ثابت شد که آمیزش زینان دارد مانع قانونی برای این امر تا برطرف شدن زینان قرار داده شود.

۶. نتیجه‌گیری

در مورد تعیین سن خاصی ازدواج هرچند نمی‌توان در آموزه‌های دینی سن مشخصی را برای آن تعیین کرد، اما احادیث منقول از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و امامان معصوم عَلَيْهِمُ السَّلَام و سیره عملی آن بزرگواران، شاهد گویایی بر اهتمام ایشان در تعجیل و عدم تأخیر در امر ازدواج است. در فقه و سنت اسلامی آن چیزی که محرز و مسلم است برای ازدواج، تنها عقل و بلوغ کافی نیست؛ یعنی یک پسر به صرف آنکه عاقل و بالغ است نمی‌تواند با دختری ازدواج کند چنان که برای دختر نیز عاقله بودن و رسیدن به سن بلوغ دلیل کافی برای ازدواج نیست. علاوه بر بلوغ و علاوه بر عقل، رشد لازم است. در ازدواج بهتر است مرد از زن بزرگ‌تر باشد، اما اینکه فاصله سنی چقدر باشد هنوز به معیار مناسبی نمی‌توان دست یافت. یک سری پیشنهادات و راهکارهای داخل برای جلوگیری مشکلات و عدم تناسب سنی زوجین در مقاله مطرح شده است که می‌تواند به نحوی راه جبران یا حل مشکلات این باب را تا حدودی آسان کند.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۳). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: دفتر مطالعات تاریخ اسلامی.
۱. بی‌نا (۱۳۸۲). جوانان و ازدواج. نشریه صبح، شماره ۹ و ۱۰. <https://hawzah.net>
 ۲. بی‌نا (۱۳۹۷). فاصله سنی مناسب به سؤالات دینی. <https://www.pasokhgoo.ir>
 ۳. بی‌نا (بی‌تا). اهمیت ازدواج. <https://wikiporsesh.ir>
 ۴. جبعی عاملی (شهیدثانی)، زین‌الدین بن علی‌العاملی (۱۴۱۳). مسالک الافهام الی تنقیح شرایع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه.
 ۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۱). زن در آئینه جلال و جمال. تهران: مرکز نشر فرهنگی رجاء.
 ۶. خداپرست، سعید (۱۳۹۹). ازدواج- سن مناسب، معیار مناسب و انگیزه ازدواج در افراد مختلف. <https://tanzimekhanevadeh.com>
 ۷. موسوی خمینی، روح‌الله (۱۴۰۹). تحریرالوسیله. قم: دارالکتب العلمیه.
 ۸. بی‌نا (۱۳۹۷). فاصله سنی مناسب ازدواج از دیدگاه اسلام. سایت مرکز ملی پاسخ‌گویی به سؤالات دینی. www.pasokhgoo.ir



۹. سیدفاطمی، سیدمحمد (۱۳۷۴). تزویج کودکان. نشریه علمی-پژوهشی نامه مفید، شماره ۲، ص ۱۲۹-۱۵۴.
۱۰. طباطبایی، محمدحسین (بی تا). تفسیر المیزان. قم: نشر اسماعیلیان.
۱۱. قمی مشهدی، محمد بن محمدرضا (۱۳۸۲). تفسیر کنزالدقائق و بحر الغرائب. بی جا: دار الغدیر.
۱۲. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۶). فروع کافی. بیروت: دار التعارف.
۱۳. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۱۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). مجموعه آثار. قم: انتشارات صدرا.
۱۵. مطهری، مرتضی (۱۳۹۹). امدادهای غیبی در زندگی بشر به ضمیمه چهار مقاله دیگر. تهران: انتشارات صدرا.
۱۶. مهریزی، مهدی (۱۳۷۶). رساله‌های فقهی ۱ بلوغ دختران. قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۱۷. نجفی، محمدحسن (۱۳۹۵). جواهر الکلام. قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۱۸. رضاییان، الهه (۱۳۹۲). چگونه ازدواجی سالم و موفق داشته باشیم.

<https://www.dr bahrami clinic.com>